

ساختار و فصل‌بندی اثر که به درک بهتر و عمیق‌تر این گذار مدد می‌رساند با تعریف اسطوره و خاستگاه آن آغاز می‌شود. با وجود تعابیر و نظرات مختلف درخصوص چیستی اسطوره، تعریف و دیدگاه خاصی که مورد قبول همگان باشد وجود ندارد. درواقع با توجه به مکاتب فکری و رویکردهای مختلف، تعاریف گوناگونی درخصوص اسطوره می‌توان ارائه داد. مؤلف در پیشگفتار کتاب مروری کلی بر مهمترین آراء و نظرات اسطوره‌شناسان از دیدگاه‌های متفاوت نموده است. پاره‌ای از این اندیشمندان مانند برونیسلاو مالینوسکی، ارنست کاسیرر، کلودلوی استروس، فروید و یونگ نظرات خویش را در مورد اساطیر برپایه دوگانگی جهان بیرون و دنیای درون استوار ساخته‌اند. به عبارت دیگر آنها در تحلیل خویش یا اسطوره را در قلمرو جهان عینی مطالعه کرده‌اند و یا آن را پدیده‌ای صرفاً درونی به شمار آورده‌اند. همچنین اکثر این اندیشمندان تاریخ را به دوران اسطوره و دوران فلسفه و علم تقسیم کرده و مدعی هستند که جهان‌بینی اسطوره‌ای در قیاس با جهان‌بینی علمی - فلسفی دارای ارج و منزلت فکری فروتری است. نگارنده پس از اینکه به طور اجمالی آراء اندیشمندانی که چنین رویکردی برگزیده‌اند را در بوته نقد و سنجش قرار می‌دهد به

شرح رهیافت‌های جدید و نظرات اندیشمندانی چون میرچا الیاده، مایکل نوواک، هاروی کاکس، ادوارد مازیارز درخصوص اسطوره می‌پردازد. این اندیشمندان و «بطور کلی تمام کسانی که در قرن بیستم اسطوره را مورد بحث و

بررسی قرار داده‌اند بر آن اند تا ثابت نمایند که مدرنیته و اسطوره دو معنای معارض نیستند، بلکه به اعتقاد آنها مدرنیته نیز همچون مؤلفه‌های ماقبل خود، اسطوره‌های خاص خویش را دارد» (ضمیران، ص ۳۷). به عبارت دیگر اسطوره تنها به گذشته مربوط نمی‌شود. به عنوان نمونه میرچا الیاده معتقد است «در جهان‌بینی مدرن می‌توان عناصر اسطوره‌ای را در عرصه سیاست، فرهنگ و جامعه به وضوح ملاحظه نمود. اما از آن‌جا که این اساطیر ماهیتی متعارف یافته‌اند، کشف و تشخیص آنها بسیار دشوار می‌باشد» (ضمیران، ص ۲۳). الیاده مارکسیسم و داروینیسم را از مهم‌ترین اسطوره‌های عصر جدید قلمداد می‌کند. به اعتقاد او مراسم سال نو، جشن عروسی، بت‌وارگی اشیاء تجملی و حتی افسانه‌ای شدن شخصیت‌ها به وسیله رسانه‌های همگانی و بسیاری از موارد دیگر دلیلی بر حضور بقایای اساطیر در فرهنگ مدرن است.

در پایان پیشگفتار که خود فصلی کامل می‌نماید تعریفی نوین از اسطوره ارائه می‌شود. در این تعریف ویلیام دوتی «تعریف تک‌معنایی اسطوره را به یاد انتقاد گرفته و مدعی است که باید رهیافتی چندساختی (multidimensional) را در شناخت

اسطوره به کار گرفت. او از اسطوره تعریفی به دست داده که در آن هفده خصوصیت مطرح شده است. او در این هفده خصوصیت، هفده کار ویژه اسطوره را مورد بررسی قرار داده است» (ضمیران، ص ۳۸).

تعریف دوتی، با کمی اغماض با تعریف تاتارکیویچ درخصوص هنر قابل قیاس است. درواقع هنر همانند اسطوره کارکرد واحدی ندارد. دوتی و تاتارکیویچ با در نظر گرفتن این نکته برای دستیابی به تعریفی جامع‌تر در صورت‌بندی تعاریف خود، کارکردهای مختلفی را برشمرده‌اند.

گذار از جهان اسطوره به عرصه فلسفه به یکباره صورت نگرفت. فصول بعدی کتاب به شرح چگونگی این چرخش مهم تاریخی اختصاص می‌یابد. اندیشه‌ای که در طول این بررسی مورد تأکید قرار می‌گیرد این مسئله است که اندیشه فلسفی در بستر فرهنگ اسطوره‌ای شکل می‌گیرد و نوعی تداوم منطقی میان این دو وجود دارد. مؤلف در بخش‌های مختلف کتاب به شرح و بسط این تداوم و پیوستگی مضامین اسطوره‌ای در اندیشه‌های هزیود، تالس، گسنوفانس، آنا کسیمندر، هراکلیتوس، پارمنیدس، افلاطون و ارسطو می‌پردازد و نشان می‌دهد که فیلسوفان نخستین یونان به

هیچ‌وجه در پی نفی و جایگزینی اساطیر دوران پیش از خود برنیامدند بلکه با طرح انگاره‌های فکری نوین، درونمایه‌های اساطیر کهن را صورتی عقلی بخشیدند. به عبارت دیگر «سنت‌های اساطیری به رشد و گسترش اندیشه‌هایی مدد رساند که بعدها پیش‌زمینه‌ی تأمل فلسفی قرار گرفت. درواقع نخستین

فیلسوفان یونانی مضامین و مفاهیمی را مطرح ساختند که همگی ریشه در فرهنگ اساطیری داشت» (ضمیران، ص ۸۸). برای درک عمیق‌تر تداوم منطقی فرهنگ اساطیری و نگرش فلسفی، برخی از عناصر، مضامین و مفاهیم اصلی فرهنگ اسطوره‌ای مانند: فوزیس، آرته، گولوس، مفهوم زمان، روح یا پسوخی، مفهوم ثوس، قبل و بعد از سربرآوردن اندیشه فلسفی از لحاظ تحولات معنایی و ارزشی مورد بررسی تطبیقی قرار می‌گیرد.

آنچه کتاب «گذار از جهان اسطوره به فلسفه» را نسبت به آثاری از این دست برتری می‌بخشد رویکرد متفاوت آن و توجه به چگونگی و چرایی چرخش نگاه آدمی از جهان اسطوره به دنیای فلسفه است. مؤلف اثر کوشیده است به جای بررسی انتزاعی و صرف اسطوره یا فلسفه به رابطه متقابل و مناسبت فرهنگ اسطوره‌ای و فلسفی تأکید ورزد و این دو برهه‌ی مهم تاریخی را مورد مطالعه و بررسی تطبیقی قرار دهد.

برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: چیستی هنر، اسوالد هنفلینگ: ترجمه علی رامین، تهران: هرمس، ۱۳۷۷.

آنچه کتاب «گذار از جهان اسطوره به فلسفه» را نسبت به آثاری از این دست برتری می‌بخشد رویکرد متفاوت آن و توجه به چگونگی و چرایی چرخش نگاه آدمی از جهان اسطوره به دنیای فلسفه است. مؤلف اثر کوشیده است به جای بررسی انتزاعی و صرف اسطوره یا فلسفه به رابطه متقابل و مناسبت فرهنگ اسطوره‌ای و فلسفی تأکید ورزد و این دو برهه‌ی مهم تاریخی را مورد مطالعه و بررسی تطبیقی قرار دهد.

جهان اسطوره و فلسفه

فاطمه شاهرودی



○ گذر از جهان اسطوره به فلسفه

○ محمد ضمیران

○ انتشارات هرمس

در سال‌های اخیر شاهد توجه بیشتری از سوی نویسندگان و اندیشمندان به مبحث اسطوره بوده‌ایم و در این زمینه آراء و نظرات متفاوتی به رشته‌تحریر درآمده است. با پیگیری جدی و دامنه‌دار اندیشمندان و پژوهشگران در این حوزه به نظر می‌رسد که این تلاش از سر آگاهی به اهمیت اسطوره در دنیای دیروز و امروز و نیاز جامعه به طرح و بحث این امر می‌باشد و نمی‌توان آن را در زمره مباحث مقطعی و گذرای قلمداد کرد که هر از چندگاهی در فضای فرهنگی کشورمان رونق می‌گیرد و پس از اندک زمانی هیجان تند اولیه فروکش می‌کند.

از جمله کسانی که آگاهانه در این زمینه به تحقیق و تألیف پرداخته‌اند دکتر محمد ضمیران است. وی دکترای معرفت‌شناسی خود را از دانشگاه ماساچوست آمریکا دریافت کرده و اکنون در زمینه اسطوره و رابطه آن با فلسفه و هنر در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی به تدریس و تحقیق مشغول است. دکتر ضمیران در آثار و نوشته‌های قبلی خود همچون «جستارهای پدیدارشناسانه پیرامون هنر و زیبایی» به سیر انسان از جهان اسطوره به عرصه فلسفه و تأثیر این گذار بر هنر پرداخته بود. اما اینک اقدام به تألیف کتابی با عنوان «گذر از جهان اسطوره به فلسفه» نموده است که صرفاً به مناسبت و رابطه اسطوره و فلسفه می‌پردازد. همان‌طور که مؤلف در پیشگفتار این کتاب آورده: «اگرچه در چند سال اخیر کتاب‌ها و نوشتارهای پراکنده بسیاری درباره‌ی اساطیر و خاستگاه آن به فارسی منتشر شده است، اما هنوز هیچ‌یک از آنها به رابطه اسطوره و فلسفه نپرداخته‌اند. مناسبت میان این دو را شاید بتوان از تاریک‌ترین و ناشناخته‌ترین و در عین حال مشکل‌ترین عرصه‌های پژوهش به‌شمار آورد».

بزرگ از فیلم‌های تأثرگرا (اکسپرسیونیستی) تاریخ سینمای آلمان مانند شخصیت سزار در فیلم اتاق دکتر کالیگاری، گولم و نوسفراتو دیده می‌شود. سپس صدای سخنرانی هیتلر و گوبلز به گوش می‌رسد. این، صدای واقعی و مستند آنها در یکی از مراسم حزب است که از رادیو آلمان پخش شده بود. همراه با این صدا، قطعاتی از فیلم‌های مستند سیاه و سفید مربوط به رژه شبه نظامیان جوان هیتلری با لباس یک‌رنگ که مخالفان آنها را «قهوه‌ای» کنایه از مدفوع انسان، می‌خوانند به نمایش در می‌آید.

تخیل هنری در کنار خردگرایی

به نظر سیبر برگ، آلمان بدون خرد‌گرایی، هیچ چیز نیست و برای جلوگیری از انفجار روح آلمانی به صورت‌های مخربی مانند ظهور هیتلر، بایستی اجازه داد این خردگرایی در اشکال هنری بروز کند. بنابراین، هنر، جایگاه ادامه حیات بینش اسطوره‌ای است که نقش متعادل‌کننده‌ی زندگی عقلانی ما را برعهده دارد. به این ترتیب، قلمرو هنر از عقلانیت فراتر می‌رود و هنر در جایی قرار می‌گیرد که در آنجا، رویاهای اسطوره‌ها و آرمانشهرهایی که ساخته و پرداخته تخیل ماست، متولد می‌شوند. از این رو، بایستی سیبر برگ را ادامه‌ی رمانتیسم در فلسفه آلمان دانست. او به راستی از اسلاف لسینگ، گوته، شیللر، هولدرلین، نیچه و بالاخره، واگنر است اما نمی‌خواهد همانند رمانتیک‌ها شوریدگی و هیجان را بر حیات اجتماعی و فردی مسلط سازد بلکه می‌کوشد غول اسطوره را در شیشه‌ی عقلانیت مهار سازد و آثار هنری را فرصت بیرون آمدن این غول از محبس خویش معرفی کند. تحصیلات دانشگاهی سطح بالا و پرورش یافتن در یک خانواده اشرافی فرهیخته آلمانی این امکان را برای سیبر برگ فراهم آورده است تا هنر سینمای مورد نظرش را به صورت ترکیبی از اپرا، تئاتر، نقاشی، اساطیر و تاریخ آلمان به مثابه یک فیلم یعنی آن محبس شیشه‌ای جایگاه تخیل انسان، پدید آورد. طرح او کاملاً جاه طلبانه به نظر می‌رسد، زیرا او در پی دستیابی به جهان فائوستی هنرمند است.

* این مقاله در کلاس‌های دوره دکتری پژوهش هنر دانشگاه تربیت مدرس تهیه و تنظیم شده است.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱ - رولان بارت، اسطوره، امروز، مترجم: شیریندخت دقیقیان، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۵، ص ۷۲.
- ۲ - پیشین، ص ۷۳.
- ۳ - همان.
- 4- Jean Narboni, Jean - Luccomoli, "Cinema/ Ideology/ Criticism" in Movies and Methods, ed. Bill Nichols, University of California, 1976, P. 23
- ۵ - ارنست کاسیرر، افسانه دولت، مترجم: نجف دریابندری، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۶۲، صص ۱۴-۱۵.
- 6- Theodor Adorno, Max Horkheimer, Dialectic of Enlightenment, newyork, Continuum publishing Company, 1995, P 61.
- ۷ - نک: برای توضیح پیرامون زمینه‌های تاریخی و اجتماعی این دو گرایش: علی شیخ مهدی، نظریه انتقادی و سینمای آلمان، انتشارات: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، تهران، ۱۳۷۷، فصل دوم، صص ۱۷۹-۱۴۷.
- 8- Hans Jurgen Syberberg, Hitler, Ein film aus Deutschland, Reinbek, Rowholt, P. 19.
- 9- Anton Kaes, From Hitler to Hiemat, Harvard University Press, 1989, P. 67.
- 10- Hitler, Ein Film..., P. 362.
- 11- Hitter, Ein Film..., P. 118.